

بررسی تطبیقی جلوه‌های پایداری در شعر ابوالقاسم عارف قزوینی و معروف رصافی

حشمت‌الله زارعی کفایت<sup>۲</sup>  
تاریخ پذیرش: ۹۴/۱۰/۱۵

اسدالله لطفی<sup>۱</sup>  
تاریخ دریافت: ۹۴/۰۵/۱۲

A Comparative Study of Resistance Manifestations in Poems by Abolqasem Aref Qazvini and Maroof Rasafi

A. Lotfi<sup>1</sup>

H. Zarei Kefayat<sup>2</sup>

Abstract

چکیده

The literature of resistance is considered the potent voice of the oppressed nations against the arrogance and the oppressing rulers as portrayed by poets in their poems. Among others, Abolqasem Aref Qazvini and Maroof Rasafi are two such poets in contemporary Iranian and Iraqi literary scene. The literature of resistance themes are prominently featured in their political-social poems. Therefore, it is important and even quite necessary to study political-social themes present in their poetry. Using a descriptive-analytical method, this study tries to explore manifestations of resistance in poems by Abolqasem Aref Qazvini and Maroof Rasafi in order to answer the following questions: what shared themes and elements of resistance can be seen in poems by Aref Qazvini and Maroof Rasafi? What are their poetic features as far as the literature of resistance is concerned? Abolqasem Aref Qazvini and Maroof Rasafi are among renowned Iranian and Iraqi poets who have devoted their poems to serving their homeland, thus earning a reputation as committed poets of literature of resistance. Employing simple and occasionally outspoken language, they point to many elements of the literature of resistance, the most important of which include defending homeland, fighting arrogance, call for unity and avoiding division, complaining about the oppression of rulers, call for the awakening of the Islamic Ummah and other political-social issues mentioned in the paper.

**Keywords:** Literature of Resistance, Poem, Aref Qazvini, Maroof Rasafi.

ادبیات پایداری و مقاومت، فریاد رسای ملت‌های مظلوم در برابر استعمار و حاکمان ظالم است که شاعران آن را در اشعار خود به تصویر کشیده‌اند. ابوالقاسم عارف قزوینی و معروف رصافی از جمله این شاعران در ادبیات معاصر ایران و عراقند که مضامین ادبیات پایداری در سروده‌های سیاسی - اجتماعی آنها به وضوح مشاهده می‌شود. بنابراین، تحقیق در مضامین سیاسی - اجتماعی شعر این دو شاعر اهمیت دارد و بسیار ضروری می‌نماید. در این پژوهش می‌کوشیم با روش توصیفی - تحلیلی، جلوه‌های پایداری و مقاومت را در اشعار عارف قزوینی و معروف رصافی بررسی کنیم و به این سؤالات پاسخ دهیم: در حوزه مقاومت و پایداری چه مضامین و مؤلفه‌های مشترکی در اشعار عارف قزوینی و معروف رصافی می‌توان مشاهده کرد؟ ویژگی‌های شعری این دو شاعر در حوزه پایداری چیست؟

ابوالقاسم عارف قزوینی و معروف رصافی از برجسته‌ترین شاعران ایرانی و عراقی‌اند که در خدمت به وطن خود شعر سروده‌اند و به‌عنوان سراینندگان متعهد و شاعران ادبیات پایداری شناخته شده‌اند. این دو شاعر با زبانی ساده و گاهی صریح در اشعار خود، به بسیاری از مؤلفه‌های ادبیات پایداری اشاره کرده‌اند که مهم‌ترین آنها دفاع از وطن، استعمارستیزی، دعوت به اتحاد و پرهیز از تفرقه، شکایت از ستم حکمرانان، دعوت به بیداری امت اسلامی و دیگر موضوع‌های سیاسی - اجتماعی است که در این مقاله به آنها خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: ادبیات پایداری، شعر، عارف قزوینی، معروف

رصافی

1. Associate Professor of jurisprudence and Islamic law in International University of St. Imam Khomeyni.

2. Ph.D. Student of Arabic Language and Literature in International University of St. Imam Khomeyni.

۱. دانشیار فقه و حقوق اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره). (نویسنده مسئول) lotfidr@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

## مقدمه

## تعریف مسئله

امروزه ادبیات پایداری و مقاومت در میان ملت‌ها جایگاه خاصی دارد. این ادبیات، فریاد ستم‌دیدگانی است که شاعران در آشنا آن را به تصویر می‌کشند تا از این طریق، پایداری ملتی زیر ظلم و ستم را به جهانیان اعلام کنند. به تعبیری دیگر، ادبیات مقاومت گویای دردها و رنج‌هایی است که در برهه‌ای از تاریخ بر ملتی گذشته است یا فریادی است شجاعانه در مقابل ستمگران که از ملت‌ها می‌خواهد ذلت و خواری را از خود دور سازند. در دو ادب فارسی و عربی از دیرباز همواره شاعرانی بودند که به مضامینی چون وطن و لزوم دفاع از آن، وحدت ملی و اتحاد اجتماعی، ترقی و تجدد، ستیزه‌گری با نفاق و ریاکاری، انتقاد از حاکمان ظالم و ارباب مستبد و ... توجه داشته و تصاویر بسیار بدیعی را ارائه کرده‌اند. ابوالقاسم عارف قزوینی و معروف رصافی از شاعران برجسته معاصر در دو زبان فارسی و عربی‌اند که به جلوه‌های پایداری در شعر خود توجه نموده و همگام با مردم از وطن خود دفاع کرده‌اند. عوامل مشترکی که تطبیق میان این دو شاعر را از منظر ادبیات تطبیقی توجیه می‌کند عبارتند از:

۱. عارف قزوینی برای فعالیت‌های میهن‌پرستانه به شاعر ملی ایران مشهور است و معروف رصافی به شاعر آزادی. ۲. هر دو شاعر در عصری می‌زیستند که کشورشان به استعمار خارجی و استبداد داخلی و خفقان سیاسی گرفتار بود.

۳. مشکلات اجتماعی و آسیب‌های سیاسی در کشور هر دو شاعر همچون استبداد، استعمار، فقر و عقب‌ماندگی، بی‌عدالتی و مشکلات مربوط به زنان یکسان است.

۴. هر دو در مسیر مبارزه خود، رنج‌ها، تلخی‌ها، سختی‌ها و ناکامی‌های زیادی را تحمل کردند که بازتاب آن در زندگی و اشعار ایشان نمایان است.

به دلایل فوق و به سبب اهمیت محتوایی و تاریخی شعر این دو شاعر، نگارندگان این دو شاعر را برگزیده و در محدوده این مقاله کوشیده‌اند مضامین مشترک و متفاوت پایداری و مقاومت را در شعر آن‌ها بررسی کنند. گفتنی است

این جستار در حوزه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی مکتب امریکایی جای می‌گیرد که معتقد به بررسی موازنه‌ای و مقایسه‌ای است.

## سؤال‌ها و فرضیه‌ها

ما در این پژوهش به دنبال این هستیم که به این سؤال‌ها پاسخ دهیم: در حوزه ادبیات مقاومت و پایداری در اشعار ابوالقاسم عارف قزوینی و معروف رصافی چه مضامین و مؤلفه‌های مشترک و متفاوتی می‌توان مشاهده کرد؟ ویژگی‌های شعری این دو شاعر در حوزه ادبیات پایداری چیست؟

فرضیه این پژوهش بر این اساس استوار است که به نظر می‌رسد این دو شاعر، در اثر شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه خود به کاربرد مؤلفه‌های مقاومت در شعر خود توجه کرده و مضامین مشترک بسیاری چون آزادی، استعمارستیزی، دعوت به اتحاد و همبستگی مردم را در سروده‌های خود به تصویر کشیده‌اند. اما درباره مضامین متفاوت دو شاعر به نظر می‌رسد که عارف قزوینی در شعر خود، از مؤلفه‌هایی چون تکریم شهیدان راه آزادی، انتقاد از روزنامه‌نگاران و غفلت مردم بسیار سخن گفته است و معروف رصافی به مضامینی چون دفاع از حقوق زنان، توجه به فقیران و نگرانی از وجود وزیران دست‌نشانده غرب در عراق پرداخته است. نکته دیگر اینکه احتمال دارد شعر این دو شاعر در حوزه ادبیات پایداری، ممتاز به ویژگی‌هایی چون عشق راستین به وطن و زبان ساده و صریح باشد.

## پیشینه پژوهش

گفتنی است درباره ابوالقاسم عارف قزوینی و معروف رصافی کتاب‌ها و مقاله‌های مختلفی نوشته و شعر آن دو را از زاویه‌های گوناگونی بررسی کرده‌اند. برخی از این پژوهش‌ها به قرار زیر است:

پایان‌نامه «بررسی جنبه‌های رمانتیک تصنیف‌های عارف قزوینی» (۱۳۹۰) از سعید قاسمی فلاورجانی که در دانشگاه شهرکرد به راهنمایی پرستو کریمی نوشته شده است و نگارنده ضمن اشاره به تأثیر ترجمه متون رمانتیک اروپایی بر تصنیف‌های عارف به این نتیجه رسیده که تصنیف موسیقی

### مختصری درباره ابوالقاسم عارف قزوینی

ابوالقاسم عارف قزوینی شاعر، تصنیف‌ساز و موسیقی‌دان مشهور دوران مشروطیت است. او بنا به گفته خودش در سال ۱۳۰۰ ق. زاده شده اما زمان دقیق و مکان تولد او سال ۱۲۹۷ در قزوین است. او در خانواده‌ای پر شرّ و شور با مشاجره‌های فراوان والدین با یکدیگر به دنیا آمده است (سپانلو، ۱۳۸۱: ۷). پدرش ملا هادی، وکیل دعاوی است. عارف قزوینی بعد از مرگ پدرش و تقسیم میراث پدری با دو تن از دوستانش از قزوین به همدان می‌روند و در آنجا با اشراف، آشنا و هم‌نشین می‌شود. او از طریق این اشراف به خدمت مظفرالدین شاه می‌رسد. از تولد عارف تا این دوره از زندگی‌اش جز چند سالی که به تحصیل سپری شده، در بی‌بند و باری گذشته است اما با جنبش مشروطه، مسیر زندگی او تغییر می‌کند. این شاعر در دوره مشروطه در تهران زندگی می‌کرد (ایزدپناه، ۱۳۸۰: ۱۴۵) و در این راستا با افکار ضد استبدادی مشروطه‌خواهان آشنا شده و هم‌زمان با به صدا درآمدن طبل آزادی به جمع انقلابیون می‌پیوندد و با شعر و ترانه‌های خود به زبان گویای انقلاب تبدیل می‌گردد. به همین سبب او را «شاعر ملی ایران» لقب داده‌اند. این لقب یادگار مشروطه است و از آن، به او ارث رسیده.

این شاعر، در دوران خفقان رضاشاهی و شکست مشروطه خواهان، بدترین روزهای زندگی‌اش را تجربه کرد. او که جوانی‌اش را در مبارزه با استعمارگران داخلی و خارجی و ظلم و ستم آنان سپری کرده بود در چهل سالگی مجبور به سکوت و انزوا شده بود و این سکوت روح آزاده‌اش را می‌آزرد و سبب گریز وی از اجتماع و انس گرفتن او با طبیعت همدان و حیوانات شد. نکته دیگر این است که «عارف در مقام شاعری حساس با طبعی ظریف و استعدادی بسیار در شاعری، عقیده دارد که وظیفه‌اش برداشتن نقاب از چهره پلیدترین دشمنان آزادی و پیشرفت و رسوا کردن آنان است» (علوی، ۱۳۸۶: ۶۴). عارف سرانجام در سال ۱۳۵۲ ق. برابر با ۱۳۱۲ ش. در همدان درگذشت و در صحن آرامگاه بوعلی سینا به خاک سپرده شد (ایزدپناه، ۱۳۸۰: ۱۴۵).

ایران در اواخر عهد قاجار به وسیله این شاعر، استقلال ادبی و هنری یافته است. این پژوهش بسیار ارزنده بوده و بیشتر در حوزه تصنیف‌سازی محل بحث است.

پایان‌نامه «بررسی تطبیقی جلوه‌های ملی و میهنی در اشعار عارف قزوینی و حافظ ابراهیم» (۱۳۹۲) از علی دلاور که در دانشگاه بیرجند به راهنمایی عبدالرحیم حقدادی نوشته شده و نگارنده ضمن بررسی اشعار سیاسی - اجتماعی دو شاعر به این نتیجه رسیده که آن‌ها در اثر محیط اجتماعی - سیاسی مشابه و به علت وابستگی حاکمان ایران و کشورهای عربی به بیگانگان، به اشعار ملیگرایانه روی آورده و در دفاع از کشور حس وطن‌دوستی را در میان مردم تقویت کرده‌اند. این تحقیق نیز بسیار ارزشمند بوده و به ایده‌های دو شاعر در دفاع از وطن نگاه تازه‌ای دارد.

پایان‌نامه «بازتاب مضامین سیاسی و اجتماعی در اشعار معروف الرصافی» (۱۳۹۰) از سهیلا سادات امیری که در دانشگاه کردستان به راهنمایی احمد نهیرات نگاشته شده و نگارنده در آن به این نتیجه رسیده که معروف الرصافی از شاعران کلاسیک و انقلابی دوره معاصر است که در دوره او حوادث بسیاری چون اعلام قانون اساسی، جنگ جهانی اول، شورش انقلابی ۱۹۲۰ و جنگ جهانی دوم و استعمار عراق رخ داده است و این حوادث بر روح او اثر گذاشته و او نیز در خدمت جامعه و مبارزه برضد استعمار شعر می‌سروده. این پژوهش نیز با ارزش است چراکه اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی این شاعر را به خوبی نشان داده است.

پایان‌نامه «جلوه‌های ادبیات انتقادی در اجتماعیات معروف الرصافی» (۱۳۹۲) از رضا ساعد جلیل که در دانشگاه مازندران به راهنمایی مصطفی جمال‌جو نوشته شده و نگارنده پس از بررسی اشعار این شاعر به این نتیجه رسیده که معروف الرصافی شاعری است که در بیداری و آگاهی مردم نقش داشته و با اشعار انتقادی خود به دنبال اصلاح حاکمان و جامعه خود بوده است.

تا آنجا که ما بررسی کرده‌ایم در مورد بررسی مضامین و جلوه‌های مشترک پایداری و مقاومت در شعر ابوالقاسم عارف قزوینی و معروف رصافی پژوهش تطبیقی نکرده‌اند و این پژوهش می‌تواند کنکاشی نو در این زمینه باشد.

### مختصری درباره معروف رصافی

معروف بن عبدالغنی محمود البغدادی الرصافی در سال ۱۸۷۵ م. در بغداد و در محله قراغول واقع در منطقه رصافه دیده به جهان گشود (خورشا، ۱۳۸۱: ۹۵). تربیت این شاعر از همان آغاز کودکی و در نبود پدرش بر عهده مادرش بود. انس او به مادر بیش از پدرش بود و این را در اشعارش می‌توان دید. او در موارد گوناگون از مادرش به بزرگی و احترام یاد می‌کند (العطبة، ۱۹۹۲: ۶). رصافی تحصیلات خود را از مدارس دینی آغاز کرد و در مدارس ابتدایی و مدرسه استاد آلوسی، علوم دینی و اسلامی را فراگرفت. این علوم، باورها و افکار اولیه او را شکل داد. علاوه بر این، رصافی از اندیشه‌های ملیگرایانه استادش آلوسی تأثیر پذیرفت که پیشرو اندیشه ملیتگرایی در آن زمان بود. همچنین به دنبال ارتباط علمی و فرهنگی امپراتوری عثمانی با غرب، مجلات و روزنامه‌ها در قلمرو این امپراتوری گسترش یافتند که عراق هم یکی از سرزمین‌های آن قلمرو بود (الرصافی، ۱۹۹۹: ۵). رصافی هم مانند دیگر افراد باسواد به مطالعه مقاله‌های علمی و سیاسی در مجله‌هایی نظیر المقتطف، الهلال، الجامعة و المشرق روی آورد. برخی از این مجلات، مطالب علمی و فرهنگی و تاریخی در زمینه میراث گذشته عرب‌ها چاپ می‌کردند (شراره، ۱۹۲۴: ۳۵). در نتیجه آگاهی او به فرهنگ گذشته و افکار و اندیشه‌های بزرگان علم و ادب افزایش یافت و این مطالعات بعدها تأثیر خود را در اشعار و نوشته‌های او نشان داد. رصافی نسبت به جامعه خویش، زندگی مردم، مشکلات و رنج‌های آن‌ها واکنش نشان می‌داد. اشعار اجتماعی او در بردارنده رنج‌ها و سختی‌های طبقات پایین جامعه است که با زبانی ساده و نزدیک به زبان روزنامه و مجلات، این مشکلات را به تصویر کشیده است.

### جلوه‌های مشترک پایداری در اشعار عارف قزوینی و معروف رصافی

امروزه شعر و ادب پایداری بخش عظیمی از آثار ادبیات معاصر را به خود اختصاص داده است (سلیمی و چقازردی، ۱۳۸۸: ۸۶). عارف و رصافی از جمله شاعران معاصر ادب فارسی و عربی هستند که نسبت به جامعه خویش، زندگی

مردم، مشکلات و رنج‌های آن‌ها بی‌تفاوت نیستند. اشعار این دو شاعر، در بردارنده رنج‌ها و سختی‌های طبقات پایین جامعه است که آن‌ها با زبانی ساده و نزدیک به زبان روزنامه و مجلات سروده‌اند. از مهم‌ترین جلوه‌های پایداری در شعر این دو شاعر، دفاع از وطن، پایداری در برابر ظلم و استکبار، شکایت از ستم حکمرانان، مخالفت با بیگانگان، دعوت به اتحاد و آزادی‌خواهی و ... را می‌توان نام برد که در این مقاله بررسی می‌شوند.

### دعوت به مبارزه بر ضد استعمار (استعمارستیزی)

یکی از مؤلفه‌های برجسته پایداری در شعر عارف قزوینی و معروف رصافی، استعمارستیزی و دعوت مردم به آن است. عارف اشعارش را وسیله‌ای برای بیان افکار سیاسی و اجتماعی و تهییج مردم می‌داند (آرین‌پور، ۱۳۷۲: ۳۵۹) و از آن به‌عنوان حربه‌ای در برابر سیاست‌های استعمارگران استفاده می‌کند:

اجنبی صاحب ایران شد و این است غم  
آن یکی شاد که املاک و زر و زن دارد

(عارف قزوینی، ۱۳۸۵: ۷۹)

او هیچ گاه دوست ندارد که بیگانگان به قصد آبادسازی کشور به وطنش وارد شوند و در همین مضمون می‌گوید:

خانه‌ای که شود از دست اجانب آباد  
زاشک ویران کنش آن خانه که بیت‌الحنن است

(همان: ۶۴)

این شاعر در طول زندگانی خود، عاشق وطنش است و آن را سربلند و مستقل می‌خواهد و چون آن را در آستانه اشغال بیگانگان می‌بیند خشمگین می‌شود و آرزوی مرگ می‌کند:

به مرگ راضیم از وضع نامنظم ایران  
ز پافکنده مراسم غصه و غم ایران  
دیوار کاوه لگد کوب اجنبی بود آوخ  
کجاست سام و چه شد گیونو و رستم ایران؟  
به انگلیس که تلبیس اوست برتر از ابلیس  
فروخت خاک وطن را وزیر اعظم ایران

نشسته می‌بودای کاش مادرت به عزایت  
که از وجود تو ملت گرفت ماتم ایران

(همان: ۱۱۷-۱۱۸)

معروف رصافی نیز چون عارف قزوینی در اشعار خود بر ضد استعمار برخاسته و خواستار بیرون رفتن آن‌ها از کشور و نابودی آن‌هاست. گفتنی است که وقتی عراق به دست استعمارگران می‌افتد شاعر با آن‌ها مخالفت کرده و در اشعار فراوانی، دشمنی خود را با آن‌ها اعلام می‌کند. در مقابل، استعمارگران به خاطر شهرت و مقبولیت عمومی شاعر سعی می‌کنند او را به سوی خود بکشانند اما موفق نمی‌شوند (الرصافی، ۱۹۹۹: ۱۷۷/۳). این شاعر با تأثیرپذیری از افکار جنبش جمال‌الدین اسدآبادی به وحدت عرب‌ها و ایستادگی در برابر استعمار انگلیس فراخواند و هنگامی که عراق به دست استعمارگران افتاد برای آزادی کشورش کوشید و با معاهده سال ۱۹۳۰ م. که میان عراق و استعمار انگلیس امضا شد به شدت مخالفت کرد (العطبه، ۱۹۹۲: ۲۱). معروف رصافی در شعر «غاده الانتداب» نیز بر ضد استعمارگران برمی‌خیزد و در شعر خود، آن‌ها را مانند زنی معرفی می‌کند که ظاهری زیبا اما درونی زشت و آشفته دارند:

نَحْسِبُهَا حَسَنَاءَ مِنْ زِيهَا  
وَ مَا سَوَى (جَنبُول) تَحْتَ الثِّيَابِ  
ظَاهِرُهَا فِيهِ لَنَا رَحْمَةٌ  
وَ الْوَيْلُ فِي بَاطِنِهَا وَ الْعَذَابُ  
مُصَابِنَا أَمْسَى فَظِيْعًا بِهَا  
يَا رَبُّ مَا أَفْظَعَ هَذَا الْمُصَابِ

(الرصافی، ۱۹۹۹: ۱۷۷/۳)

ترجمه: [انگلیس] را در پوشش ظاهری همانند زنی زیبا می‌پنداریم که در زیر لباس جز پلیدی ندارد. ظاهرش مهربانی و رحمت می‌نماید اما در درونش ظلم و عذاب نهفته است. درد و رنج ما با وجود آن روز به روز شدیدتر می‌شود. خداوند! چه قدر این رنج دردناک است!

معروف رصافی گاهی در شعر خود با بیانی سخره‌آمیز و با استفاده از اسلوب‌های امر و نهی در معنای تحقیر و استهزاء،

خفقان ناشی از سیاست‌های استعماری انگلستان در عراق را به تصویر می‌کشد (نعمتی قزوینی، ۱۳۸۹: ۳۲۰). او در شعر «حکومه الانتداب» نیز دشمنی شدید خود را با استعمار انگلیس و حکومت دست‌نشانده‌اش در عراق ابراز می‌کند. شاعر در این شعر، تمام اعمال حکومت عراق را دروغین خوانده و مجلس و قانون اساسی را تشریفاتی و ناکارآمد می‌داند. رصافی حکومت را از بین برنده اموال و ثروت‌های طبیعی کشور معرفی کرده و بیان می‌کند که این ثروت‌ها به جیب انگلیس می‌ریزد. در ادامه، شاعر این حکومت را مناسب عراق نمی‌داند و خواستار برکناری آن است:

عَلِمٌ وَ دُسْتُورٌ وَ مَجْلِسُ أُمَّةٍ  
كُلٌّ عَنِ الْمَعْنَى الصَّحِيحِ مُحَرَّفٌ  
أَسْمَاءُ لَيْسَ لَنَا سَوَى الْفَاطِهَا  
أَمَّا مَعَانِيهَا فَلَيْسَتْ تُعْرَفُ  
مَنْ يَفْرَأُ الدُّسْتُورَ يَعْلَمُ أَنَّهُ  
وَفَقًا لَصَكِّ الْإِنْتِدَابِ مُصَنَّفٌ

(الرصافی، ۱۹۹۹: ۳۱۱/۳)

ترجمه: اهتزاز پرچم کشور و قانون اساسی و مجلس ملی هیچ کدام در معنای واقعی خود کاربرد ندارند. تنها لفظ و ظاهر اسم آن‌ها برای ماست و معنا و کارایی واقعی آن‌ها برای ما ناشناخته است. هر کسی که قانون اساسی را بخواند می‌فهمد جز سندی برای قیومیت عراق نیست.

شایان ذکر است که بسامد مضمون استعمارستیزی در شعر هر دو شاعر از جهت کیفی و کمی با هم برابری می‌کند. نکته دیگر اینکه عارف قزوینی، مضمون استعمارستیزی را در اشعار خود بیشتر با وطن‌پرستی درمی‌آمیزد.

### وطن‌پرستی

آدمی از دیرباز، تعلق خاطر ویژه‌ای به وطن داشته و در هر جای کره خاکی که باشد قلبش برای سرزمین مادری می‌تپد و این موضوع به‌ویژه در شعر شاعرانی که سرزمینشان در آتش جنگ و استعمار سوخته، نمود بیشتری یافته است.

۱۳۶۴: ۱۷). او عاقبت هر عشقی جز عشق به وطن را مایه ننگ دانسته و در شعر خود بارها این چنین عشق خود را به وطن نشان می‌دهد و ناله‌اش را بهر آن می‌داند:

نالۀ مرغِ اسیر این همه بهر وطن است  
مسلكِ مرغِ گرفتارِ قفس همچو من است

(عارف قزوینی، ۱۳۸۵: ۶۴)

نکته دیگر اینکه عارف به دلایلی بیشتر از همه جای ایران دل‌باخته آذربایجان است (چاوش اکبری، ۱۳۸۰: ۲۷۱):

چه آذرها به جان از عشق آذربایجان دارم  
من این آتش خریدارش به جانم تا که جان دارم

(عارف قزوینی، ۱۳۸۵: ۷۷)

عارف از شاعران آزادی‌خواه است و در عصر وی یعنی عصر مشروطه، فریاد آزادی‌خواهی یکی از بلندترین فریادهای شاعران پایداری است (صیدی، ۱۳۸۹: ۷۳). او آزادی را بیشتر در برابر استبداد و ظلم پادشاهان قاجار به کار می‌برد. این شاعر، در شعر زیر ضمن اینکه خاک ایران را متعلق به ایرانیان دانسته معتقد است ملتی که آزادی خود را از دست بدهد مرگ برای او بهتر است:

نعره یا مرگ یا آزادی ملت بجاست  
کاین جواب زورگویی‌های روس ژاژخاست  
امر و نهی روس آزادی‌کش آخر بهر چیست؟  
او مگر آگه نمی‌باشد که ایران زان ماست؟  
گو به روس کوردل، نیکو بین کاین خاک پاک  
خاک فرزندان ایران است یا خاک شماست؟

(عارف قزوینی، ۱۳۸۵: ۶۳)

معروف رصافی نیز همچون عارف، در اشعار خود به دفاع از وطن پرداخته و بارها خود را عاشق وطن معرفی می‌کند و این دفاع از میهن را از آموزه‌های دینی می‌داند. او وقتی حکومت عثمانی وارد جنگ جهانی اول می‌شود با شعر «الوطن و الجهاد» مردم را به یاری حکومت در برابر دشمنان ترغیب کرده و بیان می‌کند که دفاع از وطن و عزت آن، از اصول و دستورهای دین اسلام است و کسی که در راه وطن

این موضوع، شاعران بسیاری را وادار کرده که برای برانگیختن شور و حماسه در ملت خود به دفاع از وطن بپردازند (مسبوق، ۱۳۹۰: ۱۳۲). عارف قزوینی و رصافی نیز از جمله شاعرانی‌اند که یکی از مهم‌ترین جلوه‌های پایداری در شعر آن‌ها وطن‌پرستی و دفاع از آن است که با زبانی ساده و عاشقانه بیان شده است. البته باید اشاره کنیم که بسامد وطن‌پرستی در دیوان عارف قزوینی بیش از دیوان معروف رصافی است اما از لحاظ کیفیت، شعر دو شاعر با هم برابری می‌کند.

گفتنی است وطنی که در شعر عارف مطرح است سرزمین ایران در معنای جغرافیایی آن است و این شاعر، همه نقاط ایران را وطن خود می‌داند. او مسکن و مأوایی خاص در یک شهر یا روستای این خاک برای خود انتخاب نکرده است و این کار را کوتاه‌بینانه می‌داند و معتقد است باید تمام سرزمین ایران آباد شود. علاوه بر آن، او در اشعارش جان خود را فدای وطن کرده و در ادامه از بیچارگی وطن خود می‌گوید:

شادم که چوخوش گشت نثار وطن من  
آن بود و نبود من و این جان و تن من  
بیچاره و درمانده کسی نیست چو من لیک  
درمانده و بیچاره‌تر از من، وطن من

(عارف قزوینی، ۱۳۸۵: ۱۲۰)

این شاعر که به دلایل صداقت، صراحت، شور و هیجان داشتن، اهل عمل بودن، نزدیکی به زبان مردم و دانستن موسیقی به شاعر ملی ملقب است (نورمحمدی، ۱۳۷۸: ۲۲۷)، در شعری دیگر چنین با سوز و گداز خود را فدای وطن می‌کند:

بعد از آن یادی از وطن کردم  
تا کنم جان خویش نثار وطن  
ور به آتش کشند پیکر من  
نقش خاکستر من است وطن

(عارف قزوینی، ۱۳۸۵: ۱۱۷)

عارف، میهن‌دوست و آزادی‌خواه و کسی بود که جز به وطنش، به هیچ چیز دیگر عشق و علاقه نداشت (حائری،

کشته شود به مرگی شرفمند دست می‌یابد و در غیر این صورت، خوار و ذلیل خواهد شد:

وَاسْتَقْتَلُوا فِي سَبِيلِ الذُّودِ عَن وَطَنِ  
بِهِ تُقِيمُونَ دِينَ اللَّهِ وَالسُّنَنَانَا  
وَاسْتَلْتُمُوا لِعَدِي بِالصَّبْرِ وَاتَّخَذُوا  
صَدَقَ الْعَزَائِمِ فِي تَدْمِيرِهِمْ جُنُنَا  
وَاسْتَكْفُوا فِي الْوَعْيِ أَنْ تَلْبِسُوا أَبَدًا  
عَارَ الْهَزِيمَةِ حَتَّى تَلْبِسُوا الْكَفْنَ  
إِنْ لَمْ تَمُوتُوا كَرَامًا فِي مَوَاطِنِكُمْ  
مَتَّمُّ أَوْلَاءَ فِيهَا مِيتَةَ الْجُبْنَاءِ

(الرصافی، ۱۹۹۹: ۳۱۱/۳)

ترجمه: در راه دفاع از وطن، جان بر کف شوید که دین و سنت‌های خداوند بر پایه دفاع از وطن استوار است. با صبر و استقامت در مقابل دشمن، لباس رزم بر تن کنید و همت‌های راستین را برای نابودی دشمن سپر خود سازید. همواره در جنگ تا آخرین نفس، از قبول ننگ شکست امتناع کنید. اگر با عزت و افتخار در سرزمینتان از دنیا نروید بی‌شک مانند انسان‌های ترسو به مرگی باذلت تن خواهید داد.

#### دعوت به بیداری امت اسلامی

از دیگر مؤلفه‌های مقاومت و پایداری در دیوان عارف و رصافی بیدار ساختن مردم از وضعیت سیاسی - اجتماعی کشور است. عارف که اغلب اشعارش حزن‌آمیز و غم‌انگیز است (حائری، ۱۳۶۴: ۵۵) در سروده‌های خود، در بیدار کردن مردم از خواب غفلت و برگشتن به هویت ایرانی تلاش کرده و همواره ملت را به بیدار باش و دوری جستن از غفلت دعوت می‌کند:

ای دیده خون‌ببار که یک ملتی به خواب رفته است و من دو دیده بیدارم آرزوست

(عارف قزوینی، ۱۳۸۵: ۴۹)

او در شعر دیگری، از خواب غفلت مردم غمگین است و از عصبانیت خود چنین سخن می‌گوید:

بین چه غافل و آرام خفته این ملت  
چو گوسفند در آرامگاه پوشالی

(همان: ۱۲۴)

عارف در اشعار خود به مبارزه با فقر و جهالت و فرقه‌بازی نیز پرداخته است. اشعاری که این شاعر در آن‌ها به این موضوع مهم پایداری توجه داشته عبارتند از: «فرقه‌بازی و جهالت»، «دموکرات و اعتدالی»، «تکمیل معارف»، «بیابانگرد»، «نور صبح معارف»، «فقر و جهالت» و ... او در همه این سروده‌ها فقر و جهل مردمش را مایه ذلت دانسته و مردم را به بیداری و دانایی دعوت می‌کند که از این فقر و جهالت که سبب آن شاهان و بیگانگان مزدور هستند نجات یابند:

فقر خلق و جهالت افراد  
چه بگویم که می‌کند بیداد  
کوشش و جنبشی کن ای ملت  
خویشتن را رهان از این ذلت  
همچنان شیر بگسلان زنجیر  
بکش آن شاه و این امیر و وزیر  
عاقلی گر تو کار مجنون کن  
اجنبی را ز خانه بیرون کن

(همان: ۱۸۳)

چنانکه در شعر فوق مشاهده می‌شود، عارف مردم را به کوشش و رهایی از ذلت شاهان و بیگانگان مزدور دعوت کرده و عامل همه این ذلت را جهالت دانسته است. معروف رصافی نیز چون عارف قزوینی در اشعار زیادی مردم را به آگاهی و بیداری فرامی‌خواند و اوضاع و شرایط کنونی کشورش را مناسب آن‌ها نمی‌داند و همگان را به نجات از این نادانی و حقارت دعوت می‌کند. شاعر با یادآوری گذشته درخشان، مردم را به تلاش برای بازیابی عظمت از دست رفته گذشته فراخوانده و در شعر «الی الأمة العربیه» می‌گوید:

مَتَّى يَنْجَلِي يَا قَوْمُ بِالصُّبْحِ لَيْلِكُمْ  
فَتَذْهَبُ عَنْكُمْ غَفْلَةٌ وَ ذَهْوُلُ  
وَ يَنْطِقُ بِالْمَجْدِ الْمُؤْتَلِّ سَعْيِكُمْ  
فَيَسْكُتُ عَنْكُمْ لَأْتُمْ وَ عَاذُولُ

### مخالفت با حاکمان ظالم

گفتنی است که «بذر اولیة ادب مقاومت را ظلم و ستم موجود در جامعه تشکیل می‌دهد» (مصطفوی‌نیا و دیگران، ۱۳۹۰: ۵۶۹). از این رو مخالفت با ظلم و حاکمان ظالم از مضامین مشترک پایداری و مقاومت شاعران معاصر همچون عارف و رصافی است. عارف در شعرهایی چون «خسرو بیگانه‌پرست» و «در انتقاد از رضاشاه» با حاکمان ظالم مخالفت کرده و مالک اصلی کشور را ملت می‌داند. وی تنها مردم را شایسته به دست گرفتن زمام کشور دانسته و در تقابل مردم و شاهان، همیشه جانب مردم را می‌گیرد. نیز شاهان را عامل ناتوانی و ویرانی کشور معرفی می‌کند و خود را دشمن خونی آنان می‌داند:

منم دشمن خونی خسروان  
کز آنان شد ایران چنین ناتوان

(عارف قزوینی، ۱۳۸۵: ۱۱۰)

عارف در اشعار خود، شخصیت‌های مردمی همچون کلنل محمدتقی پسیان و شیخ محمد خیابانی را می‌ستاید و در ابیاتی مثل بیت زیر با خاندان قاجار و رضاشاه مبارزه می‌کند و در این خصوص می‌گوید:

از اولین سلاله آدم الی کنون  
زین خانواده یک نفر آدم ندیده‌ام

(همان: ۱۰۹)

رصافی نیز چون عارف به مبارزه برضد حاکمان ظالم برمی‌خیزد. او در زمان حکومت عثمانی با تأثیرپذیری از افکار آزادی‌خواهانه‌ای که در جهان عرب مطرح شده بود به مبارزه با ظلم و ستم حکومت پرداخت و در اشعاری به عمال حاکم عثمانی اعتراض کرد و حتی در برخی موارد خواستار برکناری سلطان عثمانی شد. او در شعر «رقیه الصریع» با جسارت به ستم‌های سلطان عبدالحمید اعتراض کرده و چنین می‌گوید:

یا عدلُ طالَ الإنتظارُ فَعَجَلِ  
یا عدلُ ضاقَ الصَّبْرُ عَنكَ فَأَقْبِلِ  
یا عدلُ لیسَ عَلَی سِوَاکَ مُعَوَّلُ  
هَلَّا عَطَفْتَ عَلَی الصَّرِیخِ الْمُعَوَّلِ

تُرِيدُونَ لِلْعَلِيَا سَبِيلًا وَ هَلْ لَكُمْ  
إِلَيْهَا وَ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ سَبِيلُ  
أَنْشِدُكُمْ أَيْنَ الْمَدَارِسُ إِنَّهُ  
عَلَى الْكُونِ فِيكُمْ وَ الْحَيَاةِ دَلِيلُ  
وَ أَيْنَ الْغَنِيُّ الْمُرْتَجَى فِي بِلَادِكُمْ  
يَجُودُ عَلَی تَشْيِيدِهَا وَ يَطْوُلُ

(الرصافی، ۱۹۹۹: ۱۶/۳)

ترجمه: ای مردم! چه وقت، شب نادانی شما به صبح بیداری خواهد رسید و از خواب غفلت بیدار خواهید شد؟ چه وقت تلاش شما آن مجد و بزرگی گذشته را زنده خواهد کرد تا ملامتگر از سرزنش دست بردارد؟ دنبال شرف و بزرگی هستید اما آیا در جهل و نادانی به آن بزرگی راهی می‌یابید؟ شما را سوگند می‌دهم که کجاست مدرسه‌هایی که نشانه‌ای از وجود شما بر روی هستی بود؟ کجاست آن ثروتمند و پناهگاهی که در راه ساختن مدرسه‌ها بخشش کند و این بخشش را ادامه دهد؟

او در شعر «تنبیه النیام» نیز از مردم می‌خواهد پرده‌های جهل را کنار بزنند و برای نجات جامعه خویش بکوشند:

أَمَا أَنْ أَنْ يَغْشَى الْبِلَادَ سُعُودُهَا  
وَ يَذْهَبُ عَنْ هَذِي النِّيَامِ هُجُودُهَا  
مَتَى يَتَأْتَى فِي الْقُلُوبِ إِنْتِبَاهُهَا  
فَيُنْجِبُ عَنْهَا رَيْنُهَا وَ جُمُودُهَا  
أَمَا أَسَدُ يَحْمِي الْبِلَادَ عَضْنَفَرُ  
فَقَدْ عَاثَ فِيهَا بِالْمَظَالِمِ سِيدُهَا

(همان: ۱۹/۳)

ترجمه: آیا وقت آن نرسیده که سعادت و خوشبختی به کشور روی بیاورد و خواب غفلت از این کشور رخت بر بندد؟ چه وقت، بیداری به دل‌ها راه خواهد یافت و موانع آگاهی و عقبماندگی کشور از بین خواهد رفت؟ آیا شیر شجاعی نیست تا در برابر حاکمان گرگ صفت که با ستم خود کشور را به فساد کشاندند از کشور دفاع کند؟



كَيْفَ الْقَرَارُ عَلَى أُمُورِ حُكُومَةٍ  
حَادَتْ بِهِنَّ عَنِ الطَّرِيقِ الْأَمْتَلِ  
فِي الْمُلْكِ تَفْعَلُ مِنْ فِطَاخِ جَوْرِهَا  
مَا لَمْ تَقُلْ وَتَقُولُ مَا لَمْ تَفْعَلْ

(الرصافی، ۱۹۹۹: ۲۱۸/۳)

هدف از اجتماع، اتحاد قواست. وی کنار نهادن اختلافات ادیان مختلف و اتحاد و همدلی همه مردم را یک ضرورت می‌داند. این شاعر، در شعر «فی سبیل الوطن»، مسیحیان را خطاب می‌کند و انجیل و قرآن را در یک راستا و برای یک هدف می‌داند. وی در این شعر، از مسیحیان و مسلمانان می‌خواهد که برای دفاع از وطن و ایستادگی در مقابل رژیم صهیونیستی با هم متحد باشند:

عَلَامَ التَّعَادِي لِاخْتِلَافِ دِيَانَةِ  
وَ إِنَّ التَّعَادِي فِي الدِّيَانَةِ عُدْوَانُ!  
إِذَا الْقَوْمُ عَمَّتْهُمْ أُمُورٌ ثَلَاثَةٌ  
لِسَانٌ وَأَوْطَانٌ وَبِاللَّهِ إِيْمَانُ  
فَأَيُّ اعْتِقَادٍ مَانِعٍ مِنْ أُخُوَّةٍ  
بِهَا قَالَ إِنْجِيلٌ كَمَا قَالَ قُرْآنُ  
كِتَابَانِ لَمْ يَنْزِلْهُمَا اللَّهُ رَبُّنَا  
عَلَى رُسُلِهِ إِلَّا لِيَسْعَدَ الْإِنْسَانُ

(الرصافی، ۱۹۹۹: ۲۳۷/۲)

ترجمه: به سبب تفاوت در دین، چرا دشمنی [در میان مردم] باشد که دشمنی در دین، ظلم به شمار می‌آید. وقتی سه چیز: زبان، سرزمین و اعتقاد به خداوند سبب همبستگی مردم شود. پس کدامین باور از برادری که انجیل و قرآن به آن سفارش کرده‌اند جلوگیری می‌کند. خداوند این دو کتاب را تنها برای سعادت بشر بر پیامبرانش فرستاده است.

معروف رصافی در همین قصیده به کسانی که با تعصب و سختگیری بیجا مانع تحقق همبستگی میان ادیان مختلف می‌شوند با زبانی منطقی می‌گوید که آیا دین در حالی که برای سعادت بشر آمده به دنبال تفرقه و در نتیجه بدبختی و سیه‌روزی است؟ او در ادامه بیان می‌کند که افرادی که بر طبل تفرقه می‌کوبند از روی نادانی چنین می‌کنند:

فَمَنْ قَامَ بِاسْمِ الدِّينِ يَدْعُو مَفْرَقًا  
فَدَعَا فِي أَصْلِ الدِّيَانَةِ بُهْتَانُ  
أَنْشَقَى بِأَمْرِ الدِّينِ وَهُوَ سَعَادَةٌ  
إِذَا فَاتَّبَعَ الدِّينَ خُسْرَانُ

ترجمه: ای عدالت! درنگ نکن که انتظار به درازا کشید و کاسه صبرمان لبریز شد؛ پس بیا. ای عدالت! تنها امید و تکیه‌گاه ما تویی. چرا به ناله مظلوم بی‌اعتنایی؟ چگونه نسبت به کارهای حکومتی که از راه درست منحرف شده بی‌تفاوتی؟ حکومت، ستم‌های ناروایی را که نگفته بود، انجام می‌دهد و کارهایی را که وعده داده بود انجام نمی‌دهد.

#### دعوت به اتحاد و پرهیز از تفرقه

دعوت مردم به اتحاد و پرهیز از تفرقه از دیگر جلوه‌های پایداری و مقاومت در شعر عارف و رصافی است. دعوت به اتحاد و همبستگی ملی و مبارزه با تفرقه از دیگر مضامین برجسته پایداری در شعر عارف قزوینی است. او اولین تصنیف‌سازی است که مضامین اجتماعی و افکار سیاسی و انتقاد از اوضاع زمان خود را در لباس شعر و آهنگ بیان کرده است (چاوش اکبری، ۱۳۸۰: ۲۹۸). این شاعر درباره دعوت به اتحاد و همبستگی ملی و مبارزه با تفرقه معتقد است که همه کشورهای اسلامی باید به خاطر دین اسلام با هم متحد شوند تا بتوانند در برابر بیگانگان مقاومت کنند. نیز بیان می‌کند که پیشرفت بیگانگان و کفار به خاطر نفاق ما مسلمانان است:

کفر و دین بهم در مقله است  
پیشرفت کفر از نفاق ماست  
کعبه یک، خدا یک، کتاب یک  
این دودلی از کج‌رواست؟

(عارف قزوینی، ۱۳۸۵: ۲۰۷)

معروف رصافی نیز همچون عارف قزوینی معتقد است که تمامی قدرت اجتماع، ناشی از اتحاد ملت است و اصولاً

وَلَكِنَّ جَهْلَ الْجَاهِلِينَ طَحَا بِهِمْ  
إِلَى كُلِّ قَوْلٍ لَمْ يُؤَيَّدْهُ بُرْهَانٌ

(همان: ۲۳۸/۲)

ترجمه: هر کسی به نام دین به تفرقه فرابخواند دعوت او بهتان زدن به اصل دین است. آیا ما به دستور دین که مایه خوشبختی است بدبخت می شویم؟ در این صورت پیروی از دین زیانکاری است. اما نادانی بی خردان آن‌ها را به گفتن سخنانی سوق می دهد که با منطق سازگاری ندارد.

**برخی از مضامین متفاوت پایداری در شعر عارف و رصافی**  
در دیوان ابوالقاسم عارف قزوینی و دیوان معروف رصافی غیر از مضامین مشترک پایداری، مضامین پایداری دیگری نیز مشاهده می شود که با یکدیگر متفاوتند و در این بخش از مقاله بدان‌ها می پردازیم.

**دیگر مضامین پایداری در شعر ابوالقاسم عارف قزوینی**  
یکی از مضامین برجسته پایداری که در شعر عارف قزوینی می توان دید تکریم شهیدان راه آزادی است. وی در این زمینه تصنیفی بسیار مشهور دارد که در رثای شهیدان راه آزادی در گیلان و آذربایجان سروده و در آن، اندوه خود را چنین بیان کرده است:

از خون جوانان وطن لاله دمیده  
از ماتم سرو قدشان سرو خمیده  
در سایه گل، بلبل از این غصه خزیده  
گل نیز چو من در غمشان جامه دریده

(عارف قزوینی، ۱۳۸۵: ۳۵۹)

یکی دیگر از مضامین برجسته پایداری در دیوان عارف، انتقاد از روزنامه نگارانی است که در جهت بیدار کردن مردم نمی کوشند. این شاعر، غزلی با عنوان «خرنامه» دارد که در آن با زبانی طنزآمیز، انتقادات شدید و جسورانه‌ای از روزنامه نسیم شمال می کند زیرا معتقد است مسئولان این روزنامه به جای آگاهی دادن به مردم و بیدار کردنشان، آن‌ها را فریب

می دهند و حقیقت را پنهان می کنند چراکه نفع خود را در آن می بینند:

پی تخریب کله‌های عوام  
از چه داری تو جد و جهد تمام  
روزنامه نه خوانچه و خوان است  
که در آن ماهی و فسنگان است  
گوئیا ای مدیر خر گردن  
منفعت برده‌ای ز خر کردن  
ای خر از این خران چه می خواهی  
تو ز خود بدتران چه می خواهی  
اهل این ملک بی لجام خرنند  
به خدا جمله خاص و عام خرنند

(همان: ۲۹۸)

خواب غفلت مردم، دیگر مضمون مقاومت است که عارف بدان پرداخته و از این مسئله غمناک است و آرزو می کند که مردم از این خواب غفلت بیدار شوند:

ای دیده خون‌بار که یک ملتت به خواب  
رفته است و من دودیده بیدارم آرزوست

(همان: ۵۳)

عارف برای بیداری مردم از خواب غفلت، اقتدار گذشته ایران را برای آن‌ها ترسیم کرده و با امید به بازگشت آن شکوه گذشته می سراید:

به اقتدار چه نازی که روزی ایران را  
مزیت و شرف و فخر و اعتباری بود

(همان: ۲۳۱)

**دیگر مضامین پایداری در شعر معروف رصافی**  
یکی از مضامین مهمی که معروف رصافی در شعر خود به تصویر کشیده، دفاع از حقوق زنان در برابر حاکمان ظالم است. او در قصیده «المرأة المسلمة»، زن مسلمان را فردی مظلوم و ضعیف می داند که از کوچک‌ترین حقوق خود نیز محروم شده است و حتی اجازه یادگیری علم و دانش را نیز ندارد:

مستشار [خارجی] پپرس. وزیر ملت بدون اشاره او کاری نمی‌کند.

توجه به فقیران، دیگر مضمون مقاومت در شعر رصافی است. شوقی ضیف می‌نویسد: هیچ چیز به اندازه مشکل فقر در جامعه و زندگی ثروتمندان در اوج رفاه و آسایش و در میان لباس‌های حریر و دیبا، گرسنگی و برهنگی یتیمان، رصافی را به درد نمی‌آورد (ضیف، بی تا: ۶۸). رصافی بر این باور است که ثروتمندان جامعه عراق از عرق جبین فقیران به نان و نوایی رسیده‌اند و به همین جهت بی‌توجهی آن‌ها به درماندگان را بر نمی‌تابد و در قصیده‌ای می‌گوید:

أرى كلَّ فقيرٍ لذي كلِّ ذي غني  
أجيراً له مستخدماً في عماره  
ولم يُعطه إلا اليسير وإنما  
على كده قامت ضروخ يساره  
ويلبس من تذليله العز ضافياً  
وينظره شزراً بعين احتقاره

(الرصافی، ۱۹۹۹: ۱۰۰/۱)

ترجمه: می‌بینم که هر فقیری نزد هر ثروتمندی، چون کارگری است که در زمین او کار می‌کند. و به فقیر جز چیز اندکی نمی‌بخشد و کاخ‌های راحت‌طلبی شخص ثروتمند بر پایه سختی‌های شخص فقیر است. و فرد ثروتمند از خواری شخص فقیر، لباس بلند عزت را می‌پوشد و با چشم تحقیر به او نگاه می‌کند.

### بحث و نتیجه‌گیری

ابوالقاسم عارف قزوینی و معروف رصافی از جمله شاعران معاصر ایرانی و عراقی‌اند که در اشعار خود، بسیار به مؤلفه‌های مقاومت و پایداری توجه کرده‌اند و هدف هر دو از این اشعار، هدایت مردم و پیشرفت جامعه بوده است. هر دو شاعر به مخالفت با استعمارگران برخاسته و در اشعار خود کوشیده‌اند اراده افراد جامعه را در مقابل آن‌ها تقویت کنند، با این تفاوت که عارف قزوینی در شعر خود برضد استعمارگران روس و معروف رصافی برضد استعمار

لم أر بين الناس ذا مظلمة أحقُّ بالرحمة من مسلمة  
قد جعلوا الجهل صواناً لها من كل ما يدعوا إلى المأثمه  
والعلم أعلى رتبة عندهم من أن تلقاه وأن تعلمه

(الرصافی، ۱۹۹۹: ۱۴۰/۲)

ترجمه: در میان مردم، مظلوم‌تر از زن مسلمانی ندیدم که شایسته دلسوزی باشد. نادانی را از میان همه چیزی که به گناه دعوت می‌کند پوششی برای او قرار دادند. علم، بالاترین عنصر نزد آن‌هاست از اینکه او یاد بگیرد و بداند.

دیگر مضمون پایداری در دیوان رصافی، نگرانی او از وجود وزیران دست‌نشانده غرب در عراق است. او در قصیده «الوزاره عندنا» معتقد است وزارت در عراق، لباسی است که در کارخانه‌های لندن بافته می‌شود و به همین خاطر فقط کسانی که خوی نوکری انگلیس را دارند به آن دست می‌یابند:

إنّ الوزارة لا أبا لك عندنا  
لا يرتديه سوى امرىء طبعاً و داد الانكليز و دیدنا  
ثوبٌ يُقتل في معاهد لندن  
(همان: ۲۱۳/۲)

ترجمه: وزارت - پدرت مباد - جامه‌ای است که در مراکز لندن بافته می‌شود. و آن را کسی جز شخصی که دوست و هم‌خوی انگلیس باشد نمی‌پوشد.

او در قصیده «الوزاره المذنبه» این نکته را می‌گوید که در کشور عراق، وزیران از خود هیچ استقلالی ندارند و هر چه مشاور انگلیسی به آن‌ها بگوید باید به انجام برسانند، هر چند خلاف حقیقت باشد:

كم وزير هو كالوز  
إن وجه الحق باد  
لا تسئل عنه وزير القو  
فوزير القوم لا يع  
ر على ظهر الوزاره  
كسراج في مناره  
م و اسأل مستشاره  
حل من غير اشاره

(همان: ۱۸۶/۱)

ترجمه: چه بسا وزیری که مانند پشته بر پشت وزارت نشسته است. بی‌شک چهره حق همچون چراغ در مناره است. در مورد آن از وزیر مردم نپرس بلکه از

حائری، سید هادی (۱۳۶۴). عارف قزوینی، شاعر ملی ایران. سازمان انتشارات جاویدان.

خورشا، صادق (۱۳۸۱). *مجاننی الشعر العربی الحدیث و مدارسه*. تهران: سمت.

الرصافی، معروف (۱۹۹۹). *دیوان الرصافی*. بیروت: دار المنتظر.

\_\_\_\_\_ (۱۹۶۴). *المنهل الصافی من شعر الرصافی*. بغداد: مطبعة المعارف، ط ۲.

سپانلو، محمدعلی (۱۳۸۱). شهر شعر عارف. تهران: علم. ج ۱.

سلیمی، علی و اکرم چقازردی (۱۳۸۸). «نمادهای پایداری در شعر معاصر مصر؛ مطالعه موردی پژوهانه امل دنقل». *ادبیات پایداری*، کرمان. س ۱، ش ۱.

شرارة، عبد اللطیف (۱۹۲۴). *الرصافی*. بیروت: دار صادر.

صیدی، عباس (۱۳۸۹). *مغازله در خون*. تهران: برگ آذین. ج ۱.

ضیف، شوقی. (بی تا). *دراسات فی الشعر العربی المعاصر*. قاهرة: دار المعارف. ط ۵.

عارف قزوینی، ابوالقاسم (۱۳۸۵). *دیوان عارف قزوینی*. گردآوری، تدوین و توضیح دکتر رحیم چاوش اکبری. تهران: زوآر.

العطبة، محمود (۱۹۹۲). *معروف الرصافی حیاته و آثاره و مواقفه*. بغداد: دار الشؤون الثقافية. ط ۱.

علوی، بزرگ (۱۳۸۶). *تاریخ ادبیات معاصر ایران*. ترجمه سعید فیروزآبادی. تهران: جامی. ج ۱.

سید مهدی مسبوق و شهلا زمانی و علی عزیزی (۱۳۹۰). «میهن دوستی در شعر ملک الشعرا بهار و جمیل صدقی زهاوی». *فصلنامه نقد و ادبیات تطبیقی*: دانشگاه رازی کرمانشاه. س ۱، ش ۲، ص ۱۳۱-۱۵۸.

مصطفوی نیا، سید محمدرضا و همکاران (۱۳۹۰). «مقاومت در شعر توفیق امین زیاد». *ادبیات پایداری*، کرمان. س ۱ و ۲، ش ۳ و ۴، ص ۵۶۵-۵۸۸.

نعمتی قزوینی، معصومه (۱۳۸۹). «مقایسه رویکردهای استعمار ستیزی در دو جریان کلاسیک و نوگرایی شعر معاصر عراق». *ادبیات پایداری*، کرمان. س ۱، ش ۲، ص ۳۱۱-۳۴۰.

نورمحمدی، مهدی (۱۳۷۸). *عارف قزوینی، نغمه سرای ملی ایران*. قزوین: عبید زاکانی. ج ۱.

انگلیس برخاسته‌اند. در این باره گفتنی است بسامد مضمون استعمار ستیزی در شعر هر دو شاعر از جهت کیفی و کمی با هم برابری می‌کند.

نکته دیگر این است که هر دو شاعر، حس وطن پرستی را در میان مردم سرزمینشان ایجاد کرده‌اند و در این میان، بسامد وطن پرستی در دیوان عارف قزوینی بیش از دیوان معروف رصافی است، هر چند رصافی مشهور به شاعر آزادی است. اما از لحاظ کیفیت، شعر هر دو با هم برابر بوده و بسیار هنری و زیباست. دیگر مضامین مشترکی که دو شاعر در اثر اوضاع حاکم بر جامعه و اقتضای شرایط بدان پرداخته‌اند دعوت به بیداری امت اسلامی، دفاع از حق مظلومین، وحدت ملی و اتحاد اجتماعی، ستیزه‌گری با ارباب قدرت و حاکمان ظالم است که با زبانی ساده بیان کرده‌اند و شعر دو شاعر در این مضامین از جهت کمیت و کیفیت با هم برابری می‌کند.

مضامین متفاوتی که در شعر دو شاعر می‌توان دید این است که عارف قزوینی در شعر خود از مضامینی چون تکریم شهیدان راه آزادی، انتقاد از روزنامه‌نگاران و غفلت مردم سخن گفته و معروف رصافی به مؤلفه‌هایی چون دفاع از حقوق زنان، توجه به فقیران و نگرانی از وجود وزیران دست‌نشانده غرب در عراق توجه کرده است.

گفتنی است که شعر هر دو شاعر در بیان مضامین پایداری به سبک سنتی بوده و برخاسته از وجدان صادقانه است. نیز زبان شعری دو شاعر در بیان مضامین پایداری اغلب زبانی صریح بوده و دارای شجاعتی مثال‌زدنی است، هر چند در شعر دو شاعر می‌توان نمادهای پایداری را نیز مشاهده کرد که از جهت کمیت و کیفیت با هم برابری می‌کنند. نکته آخر اینکه اشعار پایداری هر دو شاعر از لحاظ کیفی یعنی از جهت هنری و زیباشناختی با هم برابرند.

## منابع

ایزدینا، حمید (۱۳۸۰). *شاعران در اندوه ایران*. تهران: توس. ج ۱.

آرین‌پور، یحیی (۱۳۷۲). *از صبا تا نیما*، ج ۲. تهران: زوآر.

چاوش اکبری، رحیم (۱۳۸۰). *خنیگر مهر ایران و آزادی؛ زندگی و شعر عارف قزوینی*. تهران: ثالث. ج ۱.